

مغز، شناخت و رفتار

مجموعه هفتم از سلسله سخنرانی‌های ارایه شده
در سمینارهای ادواری بیمارستان روزبه

حمیدرضا نقوی	حبیب‌الله قاسم‌زاده
کامبیز بدیع	ونداد شریفی
علی‌اکبر نجاتی صفا	مریم نوروزیان
محمد رضا جلالی	علی صاحبی
حسن حمیدپور	

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
مفهوم سازی شباهت میان واحدهای معنایی: رهیافتی به آهیختن نکات کلیدی.....	۹
دکتر کامبیز بدیع و دکتر مریم طایفه محمودی	
نقدی بر مقاله دکتر کامبیز بدیع و دکتر مریم طایفه محمودی «شباهت یابی واحدهای معنایی: راهی برای درک بهتر جهان معانی».....	۲۴
دکتر حمیدرضا نقوی	
حال ما کی خوب می شود؟ خوشبختی از منظر دیدگاهی مبتنی بر علم شناخت.....	۲۹
دکتر حمیدرضا نقوی	
نقدی بر مقاله دکتر حمیدرضا نقوی «شادکامی: مغز محوری یا جامعه نگری؟».....	۴۱
دکتر ونداد شریفی	
خاطرات چه گونه سخن می گویند؟.....	۴۶
دکتر حبیب الله قاسم زاده	
نقدی بر مقاله دکتر حبیب الله قاسم زاده «آن سوی مه».....	۶۱
دکتر مریم نوروزیان	
باورها چگونه فراگیر می شوند؟.....	۶۹
دکتر ونداد شریفی	
نقدی بر مقاله دکتر ونداد شریفی «انسان یعنی آن چه او باور دارد».....	۸۲
دکتر حبیب الله قاسم زاده	

رشک و حسادت ۸۸

دکتر علی اکبر نجاتی صفا

نقدی بر مقاله دکتر علی اکبر نجاتی صفا «رشک تکاپویی انگیزشی در رفع

نابرابری های اجتماعی می آفریند» ۱۰۴

دکتر محمدرضا جلالی

چرا اتفاق های بد برای انسان های خوب می افتد؟ ۱۱۰

دکتر حسن حمیدپور

نقدی بر مقاله دکتر حسن حمیدپور «پنج اصل جاودانه هستی: چشم اندازی

متفاوت به عدالت اندیشی» ۱۲۸

دکتر علی صاحبی

بازیابی شرم در نظریه ها ۱۳۲

دکتر محمدرضا جلالی

نقدی بر مقاله دکتر محمدرضا جلالی «هان ای شرم سرخی ات پیدا نیست» ۱۷۲

دکتر علی اکبر نجاتی صفا

سمینارهای ادواری مغز، شناخت و رفتار وارد شانزدهمین سال از فعالیت علمی خود شد. در طی این مدت، حدود ۱۴۰ سخنرانی به عمل آمد. از این تعداد، ۴۲ سخنرانی در قالب مقاله در شش مجموعه منتشر شد و اینک مجموعه هفتم تقدیم دوستداران می‌شود. سعی ما از همان آغاز، چاپ و انتشار مقاله‌های مربوط به سخنرانی‌ها و نیز نقد و بررسی آن‌ها بوده است.

در این مجموعه ۷ مقاله، همراه با نقد و بررسی آن‌ها به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

- مفهوم‌سازی شباهت میان واحدهای معنایی: رهیافتی به آهیختن نکات کلیدی (دکتر کامبیز بدیع و دکتر مریم طایفه محمودی؛ نقد و بررسی از دکتر حمیدرضا نقوی)
- حال ما کی خوب می‌شود؟ خوش‌بختی از منظر دیدگاهی مثبتی بر علم شناخت (دکتر حمیدرضا نقوی؛ نقد و بررسی از دکتر ونداد شریفی)
- خاطرات چه‌گونه سخن می‌گویند؟ (دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده؛ نقد و بررسی از خانم دکتر مریم نوروزیان)
- باورها چه‌گونه فراگیر می‌شوند؟ (دکتر ونداد شریفی؛ نقد و بررسی از دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده)
- رشک و حسادت (دکتر علی‌اکبر نجاتی‌صفا؛ نقد و بررسی از دکتر محمدرضا جلالی)
- چرا اتفاق‌های بد برای انسان‌های خوب می‌افتد؟ (دکتر حسن حمیدپور؛ نقد و بررسی از دکتر علی صاحبی)
- بازیابی شرم در نظریه‌ها (دکتر محمدرضا جلالی؛ نقد و بررسی از دکتر علی‌اکبر نجاتی‌صفا)

بسیار خوش‌حالیم که هنوز می‌توانیم این جلسه‌ها را ادامه دهیم و خوش‌حال‌تر از این که این سمینارها به تدریج برای خودشان جایگاهی پیدا کرده‌اند. بی‌تردید اگر

موفقیتی حاصل آمده است، به همکاری و همراهی اساتید از سویی، و دوستان علاقه‌مندی که گاه از راه‌های دور می‌آیند از سوی دیگر، مربوط می‌شود. امیدواریم بتوانیم این اطمینان و استقبال را هم‌چنان حفظ کنیم و قدر و ارزش آن را دریابیم.

ما در فاصله انتشار دو مجموعه اخیر، دوست، همکار و چهره برجسته علمی، استاد دکتر کامبیز بدیع را که همواره در تمامی جلسه‌ها حضور داشتند و با سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای جالب، اندیشه‌آفرین و نوآورانه خود مایه شگفتی می‌شدند، از دست دادیم. حضور وی در سمینارها همیشه مایه دل‌گرمی و خوش‌حالی همکاران و دوستان جوان بود. اینک جای خالی او را کاملاً احساس می‌کنیم. البته، همسر گران‌قدر و دانشور ایشان خانم دکتر مریم طایفه محمودی، خوش‌بختانه، در جلسه‌ها شرکت می‌کنند و ما را به ادامه کار تشویق می‌نمایند.

هم‌چنین، در این فاصله، استاد دیگری را نیز از دست دادیم: دکتر علی خان‌زاده، استاد پیش‌کسوت روان‌شناسی در دانشگاه تهران. دکتر خان‌زاده مرتب در سمینارهای ما شرکت می‌کردند و با طرح سوال‌های جالب و آموزنده، به ظرفیت و غنای بحث‌ها می‌افزوند. ما ضمن گرامی‌داشت خاطره این دو استاد، و به پاس خدمات علمی، انسانی، فرهنگی و فکری ایشان، این مجموعه را به نام و یاد آن دو عزیز تقدیم می‌کنیم.

در پایان از اساتیدی که دعوت ما را برای سخنرانی یا نقد و بررسی مقاله‌ها پذیرفتند و نیز از مدیر گروه روان‌پزشکی، ریاست و مدیریت بیمارستان روزبه و از سرکار خانم المیرا کریمی که دست‌یار برنامه‌ریزی و برگزاری سمینارها بودند، تشکر می‌کنیم. و نیز، از سایر همکاران بیمارستان روزبه و به‌ویژه، از واحد سمعی و بصری بیمارستان سپاس‌گزاری می‌کنیم. و بالاخره، از مدیر و همکاران محترم انتشارات ارجمند که چاپ و انتشار این مجموعه را عهده‌دار شدند، قدردانی می‌کنیم.

کمیته سمینارهای مغز، شناخت و رفتار
حبیب‌الله قاسم‌زاده، حمیدرضا نقوی، ونداد شریفی

اردیبهشت ۱۴۰۴

تهران

مفهوم‌سازی شباهت میان واحدهای معنایی: رهیافتی به آهیختن نکات کلیدی

دکتر کامبیز بدیع و مریم طایفه محمودی

پیش‌گفتار

شباهت‌یابی میان واحدهای معنایی (عبارت، جمله، پراسنجه، زیر متن، متن) از جمله توانایی‌های شناختی در خور تعمق است که از کاربردهای عدیده‌ای در مقولاتی از قبیل "طبقه‌بندی متون"، "کشف سازگاری در متون"، "شباهت‌یابی میان آرا/انظار" و "شباهت‌یابی میان مکاتب و سبک‌هایی بینشی، علمی و هنری" برخوردار است (Qurashi et al., ZOZO; Gomaa & Fahmy, 2013; Magara et al., 2018; Kenter & DeRijke, 2015; Farouk, ZOZO) در "طبقه‌بندی متون" سعی بر آن است که نشان داده شود که یک متن در حالت کلی می‌تواند به چه طبقه (یا طبقات) از پیش تعریف شده‌ای که برای مجموعه‌ای از کاربران حائز توجه است، تعلق داشته باشد (Kowsari et al., 2019; Mironczuk & Protasiewicz, 2018; Thangaraj & Sivakami, 2018; Hartmann et al., 2019; Vijayan et al., 2017; Jindal et al., 2015; Moschitti & Basili, 2004; Deng et al., 2019). به طور مثال، به این نکته می‌توان پرداخت که آیا یک متن حاوی مضمون علمی، فنی، ورزشی، تفریحی و یا سرگرمی است و در لایه‌ای عمیق‌تر به چه شاخه‌ای از این مضامین می‌پردازد. ضمناً این که متنی می‌تواند کدامین یک از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و غیره را در برداشته باشد، در

دامنه "طبقه‌بندی متون" می‌گنجد. "کشف سازگاری در متون" تلاش می‌کند که دریابد آیا اجزای یک متن واحد از منظر گزاره‌های مطروحه از سازگاری معنایی برخوردارند یا خیر. همچنین این که دو متن متفاوت بر واقعیاتی مشابه (همساز) و یا مغایر (متمایز) صحه می‌گذارند، خود می‌تواند در سیطره مقوله "کشف سازگاری در متون" بگنجد. فراموش نشود که زمانی که دریافت واقعیات بر مبنای واکاوی متون مطروحه در یک حوزه (و یا حوزه‌های مشابه هم) استوار است، مقوله فوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود (Yu & Li, 2022; O'Leary et al., 2021). زمانی که بحث شباهت‌یابی میان آرا/انظار مطرح است، عمدتاً به این نکته پرداخته خواهد شد که آرا/انظار افراد یا گروه‌های متفاوت در قبال مجموعه‌ای از موضوعات و مضامین مشابه تا چه اندازه/در چه ابعاد و جنبه‌هایی می‌توانند با یکدیگر همسو و یا بالعکس مغایر و ناهمسو باشند. به خاطر داشته باشیم که مقوله "شباهت‌یابی میان آرا/انظار" از کاربری‌های گوناگونی در برنامه‌ریزی تصمیم‌ورزی/تصمیم‌سازی مدیریتی/اجرایی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی برخوردار می‌باشد.

در عین حال، زمانی که مقوله "شباهت‌یابی میان سبک‌های بینشی، علمی و هنری" مدنظر قرار می‌گیرد، این نکته حائز توجه خواهد بود که دو مکتب یا دو سبک متفاوت که در برهه‌های متفاوتی از زمان و مکان پا به عرصه ظهور نهاده‌اند، تا چه اندازه می‌توانند مشابه با یکدیگر در ابعاد، جهات، جنبه‌ها و وجوه خاص تلقی گردند. این امر از این جهت ضروری است که بررسی وجه تشابه یا افتراق میان دو مکتب و یا دو سبک، این امکان را در اختیار اندیشه‌ورزان و نقادان حوزه‌های فلسفه و معارف، علم و هنر قرار می‌دهد تا با کنکاش خاص و در لایه‌ای بالاتر به یافتن دلایل (سطح بالاتر) انتزاعی‌تری که منجر به شکل‌گیری این وجوه اشتراک یا افتراق (با توجه به شرایط خاص زمان و مکان شکل‌گیری مکاتب و سبک‌های مربوط) می‌گردد بپردازند. مجموعه‌ای از مواردی که در فوق بدان اشاره شد سبب گردید تا شباهت‌یابی میان واحدهای معنایی در یک متن به عنوان یک تم اساسی در این مختصر مدنظر قرار گیرد.

رویکردهای ممکن

رویکردهای مهم در قبال مفهوم‌سازی شباهت میان واحدهای معنایی در یک متن را که نهایتاً می‌تواند به آهیختن (استخراج، واکشیدن) نکات کلیدی در آن بیانجامد، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

أ. رؤیت هر واحد معنایی (یک عبارت، یک جمله، یک پراسنجه،...) در قالب مجموعه‌ای از واژگان معنادار/کارآمد (به عنوان نمایشگران مفاهیم) در حوزه مربوط و سنجش شباهت میان دو واحد معنایی بر پایه شباهت‌های محلی میان واژگانی که تبیین‌گر آنان هستند.

بدیهی است که شباهت میان دو واحد معنایی از این طریق، بر پایه شباهت‌های موجود (و یا از پیش تعریف شده) میان واژگان به کار رفته در هر یک از این واحدها استوار خواهد بود.

ضمناً چنانچه بنا باشد که شباهت میان دو واحد معنایی از منظری خاص (به تعبیری مرتبط با همبافتی خاص) بررسی گردد، طبیعی است که آن دسته از واژگان که به نوعی در ارتباط خاص با منظر مربوط هستند، در تبیین شباهت میان این دو واحد معنایی به کار گرفته می‌شوند.

ب. ربط دادن دو واحد معنایی به یکدیگر از طریق فعال‌سازی مجموعه‌ای از عملگرها (Operators) که از هر دو دیدگاه زبانشناسی و روانشناسی حائز اهمیت هستند.

بدیهی است که شباهت میان دو واحد معنایی، در این حالت، با گذار از عبارت وجه اشتراکی که طی این فرایند میان این دو تبلور می‌یابد نمایان خواهد شد. شایان توجه است که به دلایل گوناگون این وجه اشتراک واحد (یکتا) نیست و می‌تواند به صور مختلف ظاهر گردد. بدیهی است که هر چه تعداد این وجوه اشتراک بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که با پیروی از آن، شباهت میان دو واحد معنایی ژرف‌تر و برخوردار از ابعاد بیشتری باشد.

ج. بررسی یک واحد معنایی از منظر واحد معنایی دیگر، بر پایه گزاره‌های به کار رفته در تبیین هر یک از واحدها. بدیهی است که در این حالت، اصل برقراری شباهت مستقیم (صریح) میان دو واحد الزاماً سازگار نیست و لذا عملاً هدف به این سمت سوق می‌یابد که نشان داده شود چگونه، با مترتب بودن فرض حضور نوعی شباهت غیرمستقیم (ضمنی) بین آن دو و تلفیق گزاره‌های مربوط با یکدیگر، می‌توان نوعی واحد معنایی نوین را که به نوبه خود بتواند از کاربری مفیدی در یک همبافت خاص برخوردار باشد سامان بخشید.

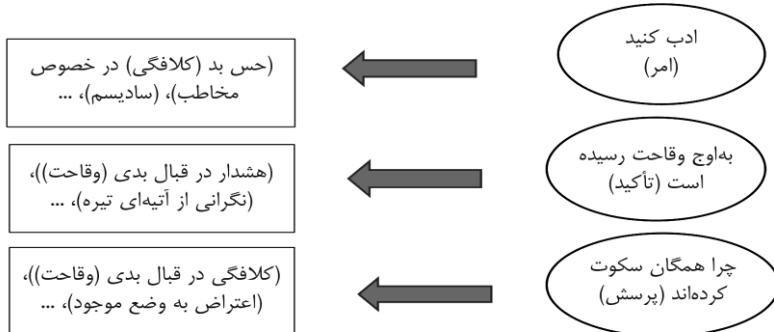
این رویکرد شباهت‌یابی عمدتاً در مواردی کاربرد دارد که خواسته باشیم گنجایش یک واحد شکیل مثلاً یک طرحواره، یک نظریه یا یک مدل را از منظر طرحواره، نظریه یا مدل دیگر مورد بررسی قرار دهیم که بی‌تردید از کاربست‌های عدیده‌ای در مقایسه تطبیقی طرحواره‌ها، نظریات و مدل‌ها برخوردار خواهد بود. در این مقاله، تأکید بر رویکردهای دوم و سوم می‌باشد.

شباهت‌یابی بر پایه فعال‌سازی طیفی از عملگرهای حایز اهمیت از منظر زبان‌شناسی و روانشناسی

در این رویکرد فرض بر آن است که فرایند شباهت‌یابی بر پایه فعال‌سازی طیفی از عملگرها، که از هر دو منظر زبان‌شناسی و روانشناسی حائز اهمیت هستند، تحقق می‌یابد. عملگرهایی که در این ارتباط می‌توان به طور خاص مطرح نمود عبارتند از: "عملگر جانشین‌سازی"، "عملگر دربرگیرندگی" و "عملگر مرکب‌سازی" که حائز توجه ویژه‌ای از منظر زبان‌شناسی است و "عملگر شاکله‌ورزی" که از منظر روانشناسی قابل ملاحظه است. عملگر جانشین‌سازی یک هستینه معنایی را با هستینه معنایی دیگر جانشین می‌سازد، حال آن که عملگر در برگیرندگی یک هستینه معنایی را در حضور هستینه‌های دیگری که توسط آن در برگرفته می‌شوند، برمی‌گزیند. همچنین عملگر مرکب‌سازی هستینه‌ای را بر پایه دانش موجود از گزاره‌های پیرامونی باز پیکره‌بندی می‌کند و عملگر شاکله‌ورزی هستینه معنایی مورد نظر را به پیکره‌ای نوین با اقلام نویی که در آن موجود نبوده مبدل می‌سازد.

جهت روشن شدن رویکرد فوق، به عنوان مثال، متنی را متشکل از سه جمله "ددمنشان را ادب کنید"، "دنیا به اوج وقاحت رسیده است." و "نمی‌دانم چرا همگان سکوت کرده‌اند." در نظر می‌گیریم.

با اندکی تأمل بر این مثال، می‌توان دریافت که "عملگر شاکله‌ورزی" موجب آن می‌گردد تا "ادب کنید" (که قالبی امری دارد) حضور واقعیاتی از قبیل "حس بد (کلافگی) در قبال مخاطب گوینده" و یا حضور نوعی "سادیسیم" در او را توجیه کند. به تعبیری می‌توان ادعا داشت که تجربیات روانشناختی می‌تواند حاکی از آن باشد که فردی که به چنین کلامی متوسل می‌شود دارای نوعی حس بد (کلافگی) در قبال مخاطب خود بوده و یا آنکه اساساً از نوعی سادیسم (دگرآزاری) رنج می‌برد. در ادامه، حضور "ددمنشان" در این گفتار، در پرتو کاربرست "عملگر جانشین‌سازی" ما را به آنجا می‌رساند که این "حس بد (کلافگی)" در خصوص "بدمنشی" بوده است. به منوالی مشابه، "دنیا به اوج وقاحت رسیده است" (که قالبی تأکیدی دارد)، در سایه فعال شدن "عملگر شاکله‌ورزی"، نوعی "هشدار در قبال بدی (وقاحت)" یا نوعی "نگرانی از آتیه‌ای تیره" را در ذهن متجلی می‌سازد. در اینجا، فعال شدن "عملگر دربرگیرندگی" موجب آن می‌گردد که آمیزه دو عبارت "حس بد (کلافگی) در خصوص بدمنشی" و "هشدار در قبال بدی (وقاحت)" به متجلی شدن "کلافگی در قبال بدی (وقاحت)" بیانجامد.

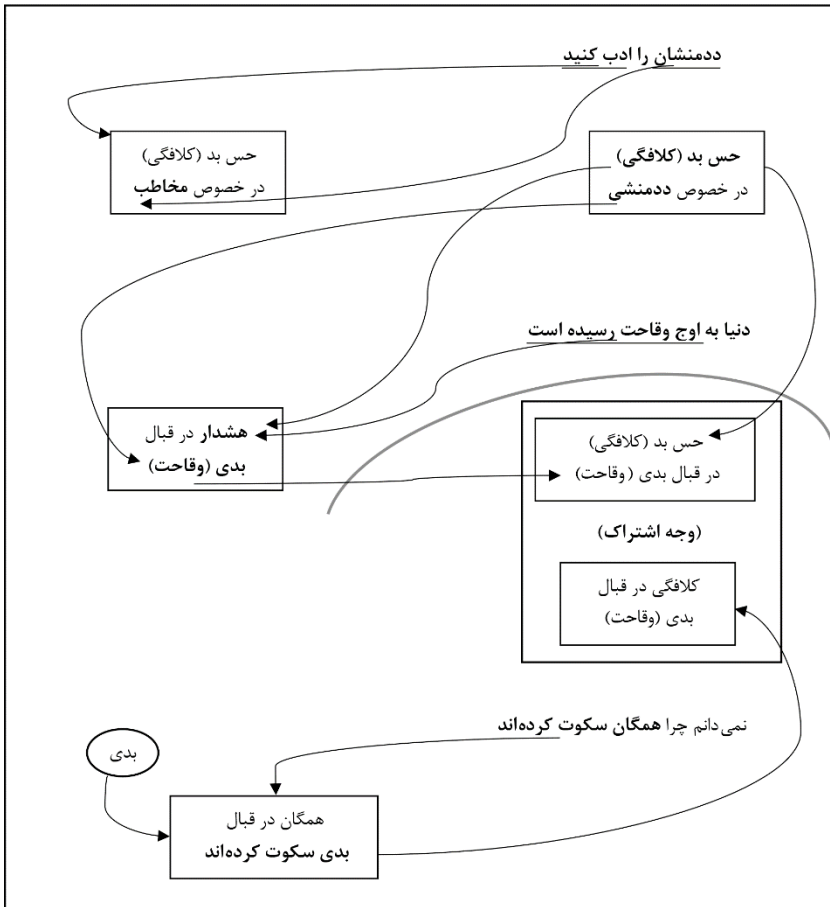


این احساس‌ها به‌نوعی در "ساختار روان" انباره گردیده و به‌هنگام، در قالب‌های گوناگون، رنگ زبانی به خود می‌گیرد.

شکل ۱ (الف). نحوه فعال شدن "عملگر شاکله‌ورزی" به ازای مثال ۱ در متن

مثال ۱

- ددمنشان را ادب کنید.
(ادب کنید) $\Leftarrow$ (حس بد (کلافگی) در خصوص مخاطب)، (سادیسیم)...
[عملگر شاکله‌ورزی]
 - ددمنشان $\oplus$ ((حس بد (کلافگی) در خصوص مخاطب)، (سادیسیم)...)
 $\Leftarrow$ (حس بد (کلافگی) در خصوص بدمنشی) (A)
[عملگر جانشین سازی]
 - دنیا به اوج وقاحت رسیده است.
 $\Leftarrow$ (هشدار در قبال بدی (وقاحت)) (B)
[عملگر شاکله‌ورزی]
 - (A) $\oplus$ (B) $\Leftarrow$ (کلافگی در قبال بدی (وقاحت))
[عملگر در برگیرندگی]
 - نمی‌دانم چرا همگان سکوت کرده‌اند.
 $\Leftarrow$ (چرا همگان در قبال بدی سکوت کرده‌اند) (D)
[عملگر مرکب‌سازی]
 - (D) $\Leftarrow$ (کلافگی در قبال بدی (وقاحت)) (E)
[عملگر شاکله‌ورزی]
- وجه اشتراک: کلافگی در قبال بدی (وقاحت)



شکل ۱ (ب). تعامل میان مفاهیم برگرفته از جملات مثال ۱ با هدف نیل به وجه اشتراک

همین قضیه را می‌توان برای "چرا همگان سکوت کرده‌اند" نیز مد نظر قرار داد، که نهایتاً در پرتو دو عملگر مرکب‌سازی و شاکله‌ورزی، این بار نیز "کلافگی در قبال بدی (وقاحت)" را در ذهن متجلی می‌سازد. نتیجه این که، چنانچه وجه اشتراک پیام‌های ناشی از "ددمنشان را ادب کنید"، "دنیا به اوج وقاحت رسیده است" و "نمی‌دانم چرا همگان سکوت کرده‌اند" را مد نظر قرار دهیم، به آن‌جا خواهیم رسید که این وجه اشتراک که

همان پیام کلی مستتر در متن مربوطه است، همان "کلافگی در قبال بدی (وقاحت)" است که البته در دنیای آشفته امروزی امری عجیب نیست. شکل ۱ (الف) نشان‌دهنده نحوه فعال شدن "عملگر شاکله‌ورزی" به ازای متن مثال ۱ و شکل ۱ (ب) پیام‌آور تعامل میان مفاهیم برگرفته از جملات این مثال با هدف نیل به وجه اشتراک ممکن است. در مثالی دیگر (مثال ۲)، متنی داریم که متشکل از دو جمله "تن آدمی شریف است به جان آدمیت" و "غم دیگران روی من زرد کرد" می‌باشد. در این جا نیز هدف آن است که نهایتاً پی بدان ببریم که پیام کلی این متن که همان وجه اشتراک میان پیام‌های مربوط به جملات مستتر در آن است، چه می‌باشد.

مثال ۲

- تن آدمی شریف است به جان آدمیت.

شریف بودن (جان آدمیت) (A)

⇐ (عواطف آدمی مهم است)،...

[عملگر شاکله‌ورزی]

- غم دیگران روی من زرد کرد.

زرد کردن (غم دیگران، روی) (B)

⇐ (غم دیگران مرا رنج می‌دهد)،...

[عملگر شاکله‌ورزی]

(A) ⇐ مهم بودن (عاطفه)

(B) ⇐ (عواطف آدمی مهم است)،...

وجه اشتراک: مهم بودن (عاطفه)

با اندکی تأمل بر جمله اول، می‌توان دریافت که "عملگر شاکله‌ورزی" قادر است ما را به این واقعیت که "عواطف آدمی مهم است" رهنمون سازد. همچنین در پرتو استفاده مجدد از "عملگر شاکله‌ورزی" به آن‌جا می‌رسیم که پیام جمله دوم "غم دیگران مرا رنج

می‌دهد" می‌باشد. در پایان، با عنایت به این که اعمال نوعی "عملگر دربرگیرندگی" به "غم دیگران مرا رنج می‌دهد" خود می‌تواند حاکی از "مهم بودن عاطفه" باشد، وجه اشتراک پیام‌های مستتر در دو جمله را می‌توان همان "مهم بودن عاطفه" متصور شد. ناگفته نماند که آنچه به عنوان پیام(های) کلی مستتر در یک متن ترسیم‌پذیر است، می‌تواند از لحاظ زبانی قالب‌های گوناگونی را (مثلاً استفاده از واژه‌های مختلف و ساختارهای نحوی مختلف) به خود بگیرد. لیک نکته مهم این است که این قالب‌های زبانی گوناگون، به رغم تفاوت در نحوه بیان، از نوعی وجه اشتراک برخوردارند که هدف اصلی از مفهوم‌سازی شباهت میان واحدهای معنایی را بنیان می‌نهد.

شباهت‌یابی بر پایه بررسی یک واحد معنایی از منظر واحد معنایی دیگر

در این رویکرد (Badie & Tayefeh Mahmoudi, 2008; 2008 b)، هدف این است که نشان داده شود چگونه با بررسی واحد معنایی نمایانگر یک دیدگاه از منظر واحد معنایی نمایانگر دیدگاهی دیگر، می‌توان بدین نکته پی برد که واحدهای معنایی اول تا چه اندازه از گنجایش مطابقت با واحد معنایی دوم از لحاظ معنایی برخوردارند. مطابقت این چینی را می‌توان نوعی شباهت غیرمستقیم میان دو واحد معنایی تلقی کرد. به تعبیری، می‌توان بر این ادعا بود که این شباهت محصول تفسیر یک واحد معنایی از منظر واحد معنایی دیگر است.

در این جا، جهت روشن ساختن مطلب فوق، مثالی را ارائه می‌کنیم که طی آن قرار است قابلیت "ویژه‌گرایی تاریخی" (Historical Particularism) به عنوان یک مکتب فکری، از منظر "کارکردگرایی" (Functionalism) به عنوان یک مکتب فکری دیگر مورد بررسی قرار گیرد. شکل ۲ بازنمایی قاب‌گونه‌ای از این دو واحد معنایی را شامل می‌شود که به ترتیب از یک سری "عناصر پایه‌ای" و "کارکردهای عمده" برخوردارند. منظور از "عناصر پایه‌ای"، همانگونه که از واژگان مربوطه برمی‌آید، مفاهیمی هستند که اساس یک دیدگاه (مکتب فکری) را، عمدتاً از منظر کالبدی و پیش‌فرض‌های ساختاری تشکیل می‌دهند. مثلاً در دیدگاه "کارکردگرایی"، "اشکال اجتماعی (انگمانی) ویژه که روزبه‌روز عمل می‌کنند تا ساختار سنتی یک جامعه (انگمان) را از نو تولید نمایند"، به عنوان

"عنصر پایه‌ای" تعریف شده‌اند. همچنین، در "ویژه‌گرایی تاریخی"، "عناصر پایه‌ای" در قالب "هم فعال بودن پیش‌تاریخ، زبان و انسان‌شناسی انیمایی"، "گردآیه داده‌ها و تجارب میدانی" و نیز "مدون‌سازی و مطالعه فرهنگ‌های در حال انقراض"، تبیین گردیده‌اند. در عین حال، آن‌چه "کارکردهای عمده" مدنظر قرار می‌دهند، آماج (هدف) غائی از باور داشتن به یک دیدگاه (مکتب فکری) است که منجر بدان می‌گردد تا افق‌های درخور توجهی در خصوص رهیابی به حل مسائل و تصمیم‌ورزی در آحاد اندیشمند و علم‌ورز در یک جامعه ایجاد گردد. مثلاً، در دیدگاه "کارکردگرایی" گفته شده که "کارکردهای عمده"، "نگاه به یک جامعه (انگمان) به عنوان سامانه (هنداد)ی از بخش‌ها یا اجزاء به-هم‌مرتبط است که به طور مستقل عمل می‌نمایند". افزون بر این، در "ویژه‌گرایی تاریخی"، مواردی از قبیل "تأکید بر "ویژه‌ها" (که در تقابل با تأکید بر "کیهان" قرار می‌گیرد)، "تمرکز بر فرد" و "به چالش کشیدن فرضیات قوم-محور در قبال محیط" در کانون توجه "کارکردهای عمده" قرار می‌گیرند.

در زیر، عاری از فایده نخواهد بود که به این نکته پردازیم که در راستای بررسی دیدگاه (مکتب فکری) "ویژه‌گرایی تاریخی" از منظر دیدگاه (مکتب فکری) "کارکردگرایی" چه گام‌هایی را می‌باید تقبل کرد. به عنوان گام اول "پیش‌تاریخ"، "زبان‌شناسی" و "انسان‌شناسی انیمایی" به عنوان آرگومان‌های اصلی در "عناصر پایه‌ای" واحد معنایی اول در نظر گرفته می‌شوند. در این ارتباط، این اقلام متناظر با "شکل‌های انگمانی" به عنوان آرگومان‌های جایگزین در "عنصر پایه‌ای" واحد معنایی دوم مورد نظر قرار می‌گیرد.

حال که چنین تناظری (به عنوان یک پیش فرض) در نظر گرفته شد، ضروری است که نشان داده شود که آرگومان‌های "پیش‌تاریخ"، "زبان‌شناسی" و "انسان‌شناسی انیمایی" تا چه حد می‌توانند از طبعی "انگمانی" برخوردار بوده و در عین حال "ویژه" نیز باشند. در عین حال، می‌باید نشان داده شود که این سه آرگومان "روزبه‌روز" عمل می‌کنند.

این نکته از آن جهت ضروری است که نهایتاً پی بدان ببریم که در جایگاه بررسی یک دیدگاه (مکتب فکری) از منظر دیدگاه (مکتب فکری) دیگر، آیا آرگومان‌های متعلق به عناصر پایه‌ای مستتر در "دیدگاه هدف" می‌توانند در قالب گزاره‌های مستتر در

"دیدگاه منظر" صدق کنند یا خیر. چنین فرایندی آغاز یک تلاش پژوهشی نوین خواهد بود که خود می‌تواند از منظر ایده‌زایی در حوزه مربوط حائز اهمیت ویژه باشد.

در این راستا ضروری است دیده شود که شباهت میان دو آرگومان به عنوان دو واحد معنایی مجزا، با بررسی بیشتری که بر روی یک آرگومان (شباهت میان "پیش‌تاریخ"، زبانشناسی" و "انسان‌شناسی انیمایی" از یک سو و "شکل‌های انگمانی ویژه" از سوی دیگر در این حالت) و با ارجاع به خواص آن صورت می‌گیرد تا چه اندازه می‌تواند درست باشد.

با فرض آن‌که توانستیم نشان دهیم که "پیش‌تاریخ"، "زبانشناسی" و "انسانشناسی انیمایی" طبیعی "انگمانی" داشته، "ویژه" بوده و "روزبه‌روز" عمل می‌کنند، می‌توانیم به این باور نایل آییم که «این سه آرگومان می‌توانند به عنوان "اشکال انگمانی" ویژه‌ای، ضمن "روزبه‌روز" عمل نمودن، "ساختار سستی یک انگمان" را از نو بسازند»؛ که در حد خود حائز تعمق است.

یک نکته حائز توجه دیگر این‌که آرگومان‌های "پیش‌تاریخ"، زبانشناسی" و "انسان‌شناسی انیمایی" به همان منوال که می‌توانند در "عناصر پایه‌ای" دیدگاه "کارکردگرایی" به عنوان "اشکال انگمانی" ایفای نقش نمایند، این توانایی را دارند تا حضور خود در "کارکردهای عمده" متعلق به این دیدگاه را نیز به نحوی به منصه ظهور برسانند. چنان‌چه به کارکرد عمده "کارکردگرایی" که همانا "نگاه به یک انگمان (تصویرسازی از یک جامعه) به عنوان سامانه (هنداد)ی از بخش‌ها یا اجزاء به-هم‌مرتبط که به طور مستقل عمل می‌کنند" می‌باشد بنگریم، درخواستیم یافت که آرگومان‌های فوق می‌توانند به طور همزمان گزینه‌های مناسبی برای "اجزاء به هم مرتبط" تلقی گردند. مع‌ذلک شرط لازم این است که توانسته باشیم طی مجموعه‌ای از مطالعات و بررسی‌های علمی این فرض را به ثبوت برسانیم.

نکته حائز تعمق این است که زمانی که این امر به ثبوت رسید، می‌توانیم به عنوان یک ایده، یک کارکرد عمده "ویژه‌گرایی تاریخی از منظر کارکردگرایی" را به شرح زیر ترسیم کنیم:

Functionalism (View-point)

...	...
Major Characteristics	Seeing society as a system of <u>inter-related Parts</u> that operate independently
Basic Constituents	Particular <u>social forms</u> functioning from day to day, to reproduce the traditional structure of the society
...	...

(a)

Historical Particularism (Target)

...	...
Major Characteristics	• Emphasizing on <u>particulars</u> as opposed to universe, • Focusing on individuals, • Challenging ethno-centric assumptions of the environments
Basic Constituents	• Incorporating <u>prehistory</u> linguistics and <u>physical anthropology</u> • Collection of ethnographical data and field experiences • Documenting and studying vanishing cultures
...	...

(b)

شکل ۲ بازنمایی قاب‌گونه از دو واحد معنایی "ویژه‌گرایی تاریخی" و "کارکردگرایی"

«نگاه یک انگمان (تصویرسازی از یک جامعه) به عنوان سامانه (هنداد) ای از بخش‌ها (اجزاء) به هم مرتبط، از قبیل "پیش‌تاریخ"، "زبان‌شناسی" و "انسان‌شناسی انیمایی" که به طور مستقل عمل می‌کنند».

حسن چنین ایده‌ای این خواهد بود که تصویر هر چه قوی‌تری را در ذهن پژوهشگر متجلی می‌سازد که جهت شناسایی هر چه ژرف‌تر یک انگمان (مستقل از آن‌که در چه برهه‌ای از تاریخ با آن روبرو هستیم) می‌باید به آرگومان‌های پایه‌ای مانند "پیش‌تاریخ" (و احتمالاً اسطوره‌های تاریخی، ...)، "زبان‌شناسی" (و احتمالاً با تأکید بر ابعاد عملگراییانه زبان) و "انسان‌شناسی انیمایی" (که بر ابعاد فیزیکی انسان و گروه‌ها و همپویه‌های انسانی تأکید دارد) نگاه ویژه داشت، تأکید ویژه‌ای که ما را به این واقعیت می‌شتاباند که عملاً می‌باید نوعی رابطه اندامه‌ای (ارگانیک) میان عناصر فعال در "پیش‌تاریخ" یک خطه (با تأکید بر نگاه به انسان، طبیعت، کیهان، ...)، عناصر فعال در "شکل‌گیری زبان" در آن خطه (با تأکید بر نحوه استفاده از واژگان، استعارات، تشبیهات، تمثیلات، ...) و بالاخره

عناصر فعال در "شکل‌گیری رشد و تحول انسانی" (با تأکید بر سبک زندگی، کار، تغذیه، سرگرمی، ...) وجود داشته باشد که در غایت قضیه به مجموعه‌ای از خصوصیات کمابیش ثابت (با پایداری در گزاره‌های انتزاعی سطح بالا) برای آحاد انسانی یک انگمان و روابط بین آنها می‌انجامد. بدین منوال، ملاحظه می‌کنیم که بررسی واحد معنایی نمایانگر یک دیدگاه از منظر واحد معنایی نمایانگر دیدگاهی دیگر، می‌تواند سرمنشأ بروز ایده‌های جدید در انسان صاحب اندیشه و قائم به پژوهش باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای آتی

در این مختصر، ضمن تأکید بر جایگاه شباهت‌یابی میان واحدهای معنایی در یک متن، بر وجه اشتراک میان این واحدها به عنوان نکته کلیدی مستقر در آن متن تأکید گردید. به تعبیری نشان داده شد که چگونه حضور این وجه اشتراک می‌تواند بر کلیدی بودن نکته آهیخته‌شده از یک متن تأثیرگذار باشد. در این ارتباط، رویکردهای ممکن به شباهت‌یابی بر پایه "آشکارسازی حضور واژگان یا مفاهیم مشابه"، "فعال‌سازی مجموعه‌ای از عملگرها از منظر زبان‌شناسی و روان‌شناسی" و "بررسی یک واحد معنایی از منظر واحد معنایی دیگر بر پایه گزاره‌های به کار رفته در آن‌ها" به اختصار شرح داده شد.

مثال‌هایی نیز در ارتباط با دو رویکرد اخیر شرح داده شد که عملاً نمایانگر آن است که ایجاد یک پل ارتباطی میان دو واحد معنایی، چه از طریق ربط دادن آن دو بر پایه مجموعه‌ای از عملگرها و چه از طریق بررسی یکی از منظر دیگری، می‌تواند زمینه‌ساز تبلور یافتن وجوه اشتراک و در عین حال وجوه افتراق میان این دو واحد باشد.

نکته حائز توجه در تمامی این رویکردها آن است که یافتن شباهت میان دو واحد معنایی و یا ربط دادن آن دو به یکدیگر می‌تواند سرمنشأی برای تبلوربخشی به نکته‌ای کلیدی باشد، که یا به نحوی توسط نگارنده (نگارندگان) آن مد نظر بوده، و یا آن‌که به دور از نیتی ویژه در نگارنده می‌تواند زمینه‌سازی شکل‌گیری ایده‌ای نوین باشد.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که کار پژوهشی گسترده بر روی مقوله شباهت‌یابی میان واحدهای معنایی، به گونه‌ای که در این مختصر ترسیم گردید، می‌تواند منجر به بروز دستاوردهای شایان توجه در "مقایسه تطبیقی میان دیدگاه

صاحب‌نظران در حوزه‌های کاری مختلف" و نیز "مقایسه تطبیقی میان مکاتب و سبک‌های مختلف در عرصه فلسفه/معارف، علم و هنر" گردد.

منابع

- Badie, K. Tayefeh Mahmoudia, M. "A Computational Framework for Manipulating an Issue from the View-Point of Other Issues", 14th International Congress of Cybernetics and Systems of WOSC – ICCS'08, Wroclaw, Poland, 9 – 12 September 2008b.
- Badie, K. Tayefeh Mahmoudi, M. "View-Point Oriented Manipulation of Concepts: A Matching Perspective", IEEE Second International Conference on the Digital Society, ICDS 2008, Sainte Luce, Martinique, February 10-15, 2008a.
- Bär, D. Zesch, T. and Gurevych, I. "A reflective view on text similarity." In *Proceedings of the International Conference Recent Advances in Natural Language Processing 2011*, pp. 515-520. 2011.
- Deng, X. Li, Y. Weng, J., and Zhang, J. "Feature selection for text classification: A review." *Multimedia Tools and Applications* 78 (2019), pp. 3797-3816.
- Farouk, M. "Measuring text similarity based on structure and word embedding." *Cognitive Systems Research* 63 (2020): 1-10.
- Gomaa, W. H., and Fahmy, A.A. "A survey of text similarity approaches." *international journal of Computer Applications* 68, no. 13 (2013): 13-18.
- Hartmann, J., Huppertz, J. Schamp, C., Mark Heitmann, ,M. Comparing automated text classification methods, *International Journal of Research in Marketing*, Volume 36, Issue 1, 2019, pp. 20-38.
- Jindal, R. Malhotra, R. and Jain, A. "Techniques for text classification: Literature review and current trends." *webology* 12, No. 2 (2015).
- Kenter, T. and De Rijke, M. "Short text similarity with word embeddings." In *Proceedings of the 24th ACM international on conference on information and knowledge management*, pp. 1411-1420. 2015.
- Kowsari, K. Jafari Meimandi, K., Heidarysafa, K., Mendu, S., Barnes, L., and Brown, D. "Text classification algorithms: A survey." *Information* 10, no. 4 (2019): 150.
- Magara, M. B. Ojo. O.S. and Zuva, T. "A comparative analysis of text similarity measures and algorithms in research paper recommender systems." In *2018 conference on information communications technology and society (ICTAS)*, pp. 1-5. IEEE, 2018.
- Mirończuk, M.M., Protasiewicz, J., "A recent overview of the state-of-the-art elements of text classification", *Expert Systems with Applications*, Volume 106, 2018, pp. 36-54.
- Moschitti, A, and Basili, A. "Complex linguistic features for text classification: A comprehensive study." In *Advances in Information Retrieval: 26th European Conference on IR Research, ECIR 2004, Sunderland, UK, April 5-7, 2004. Proceedings* 26, pp. 181-196. Springer Berlin Heidelberg, 2004.
- O'Leary, B. C., Copping, J.P., Mukherjee, N., Dorning, S.L., Stewart, B.D. McKinley, E., Addison, P.F.F., et al. "The nature and extent of evidence on methodologies for monitoring and evaluating marine spatial management measures in the UK and similar coastal waters: a systematic map." *Environmental Evidence* 10, No. 1 (2021): 1-23.
- Qurashi, A. W. Holmes, V. and Johnson, A.P. "Document processing: Methods for semantic text

- similarity analysis." In *2020 International Conference on INnovations in Intelligent SysTems and Applications (INISTA)*, pp. 1-6. IEEE, 2020.
- Thangaraj, M., & Sivakami, M. (2018). "Text classification techniques: A literature review". *Interdisciplinary Journal of Information, Knowledge, and Management*, 13, 117-135.
- Vijayan, V. K., Bindu, K.R. and Parameswaran, L. "A comprehensive study of text classification algorithms." In *2017 International Conference on Advances in Computing, Communications and Informatics (ICACCI)*, pp. 1109-1113. IEEE, 2017.
- Yu, Y. and Li, N. "Design of a tool for checking academic integrity and content consistency of paper abstracts", Proc. SPIE 12168, International Conference on Computer Graphics, Artificial Intelligence, and Data Processing (ICCAID 2021), 121681F (18 March 2022).